

رقابت ملوک هرمز و کیش در سواحل جنوبی ایران (خلیج فارس و دریای مکران)، در نیمه اول قرن هشتم هـ.ق. با تکیه بر سنگ‌نوشته شاهوگت (نویافته در مکران)

دکتر روح‌الله شیرازی^۱

دکتر بهروز برجسته دلفروز^۲

چکیده

مهمترین رخداد تاریخی در آنجا را، عبور اسکندر مقدونی و سپاهیان از بلوچستان (در قرن چهارم پیش از میلاد) دانسته‌اند (آریان^۲، ۱۹۳۳: ۶/۲۴).

طی بررسی‌های جدید باستان‌شناسی در جنوب مکران (سال ۱۳۸۷ به سرپرستی روح‌اله شیرازی)، سنگ‌نوشته‌یی از دوران اسلامی، در حدود سه کیلومتری جنوب روستای «تابک‌تل» از توابع دهستان چاهان، در جنوب غربی نیک‌شهر در استان سیستان و بلوچستان کشف شد که در نوشتار حاضر باختصار این سنگ‌نوشته معرفی می‌شود.^۴

سنگ‌نوشته شاهوگت

بر دیواره یک صخره رسوبی در جبهه شمالی ارتفاعات «شاهوگت»، شعری در هشت بیت در سطحی به ابعاد ۲۷۰ سانتیمتر در ۱۶۰ سانتیمتر نقر شده است (تصویر ۱ و ۲). در بیت اول، مصراع دوم زیر مصراع اول قرار گرفته و در ابیات دیگر، مصراع دوم روبروی مصراع اول، به خط نسخ نگاشته شده است. در آخرین سطر نیز نگارنده کتیبه، نام خود را حک کرده است.

متن سنگ‌نوشته، شرح لشکرکشی یکی از حکام شیراز به «جَرون» (جزیره هرمز) و «منوجان» است. این متن، بدین شرح خوانده شده است:

نوشتار حاضر بمعرفی سنگ‌نوشته «شاهوگت» که در نزدیکی روستای «تابک‌تل» از توابع دهستان چاهان در حوالی نیک‌شهر، در استان سیستان و بلوچستان کشف شده است، می‌پردازد. این سنگ‌نوشته، اشاره به وقایعی دارد که در اوایل قرن هشتم هـ.ق. در سواحل جنوبی ایران رخ داده و میتوان آنها را با حوادثی که در منابع تاریخی آمده است، تطبیق داد. درگیری میان فرمانروایان مناطق و جزایر جنوب ایران از قبیل شیراز؛ هرمز؛ کیش و قشم برای دست‌داشتن راهها و منافع تجاری نه تنها در خلیج فارس و دریای مکران؛ بلکه در سواحل هند از جمله دلایلی است که به پناهنده شدن تعدادی از افراد به ارتفاعات مکران و نقر این کتیبه منجر شده است.

کلید واژگان

مکران؛ شاهوگت؛ قرن هشتم هـ.ق.؛ سنگ‌نوشته؛ خلیج فارس؛ دریای مکران.

مقدمه

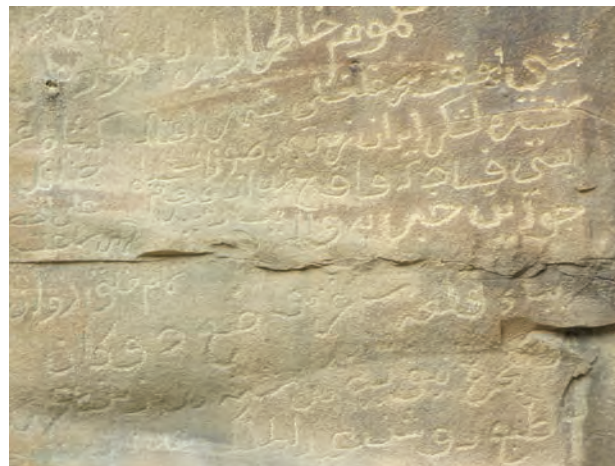
از نظر جغرافیایی بلوچستان را میتوان به دو حوزه «سرحد» و «مکران» تقسیم کرد. در کتیبه‌های هخامنشی از این ناحیه، بعنوان «مکا» یاد شده و جغرافی‌نویسان یونانی از این سرزمین بنام «گدروزیا» یاد کرده‌اند. مورخین

3. Arrian, VI. XXIV.

۴. برای آگاهی بیشتر، ن. ک. به: (شیرازی و برجسته دلفروز، ۱۳۹۳: ۱۳۴-۱۱۹).

۱. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۲. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان.



(تصاویر ۱ و ۲). تصویر و نگاتیو سنگ‌نوشته «شاهوگت».

تحلیل تحولات تاریخی اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هـ.ق. در هرمزگان

با در نظر گرفتن مضامین موجود در سنگ‌نوشته، پرسشهایی مطرح میشود که پاسخ روشن به آنها، بفهم درست تحولات تاریخی اوایل قرن هشتم هـ.ق. در هرمزگان و مکران کمک میکند. اول اینکه، «شاه عرصه شیراز» که به «هرمز» یورش برد، چه کسی است؟ دوم اینکه، «شاه جرون» که در پی این حمله، «دولت» وی زوال یافت، کیست؟ در ادامه شعر آمده است که گروهی در قلعه‌یی بنام «ساغر» در «موضع دوکان» پناه گرفته‌اند. بنابراین پرسشهای بعدی این است که «قلعه ساغر» کجاست و «موضع دوکان» در چه ناحیه‌یی واقع شده است؟

همزمان با حمله مغول به ایران، جهانشاه (از خاندان «توران‌شاه») که در هرمز سلطنت میکرد، در جنگ با مغولان کشته شد. میرشهاب‌الدین، عموی جهانشاه که جانشین وی شد، توانست مغولان را شکست دهد. پس از او رئیس شهریار، وزیر شهاب‌الدین جانشین او شد؛ ولی در جنگ با سیف‌الدین، برادرزاده و داماد میرشهاب‌الدین (که حاکم جزیره کیش بود) کشته شد. بدین ترتیب سیف‌الدین بر میراث پدران خود دست یافت. وی قدرت را برای برادرزاده‌اش، شهاب‌الدین محمدبن عیسی، به ارث گذاشت و پس از او نیز برادرزاده‌اش، امیر رکن‌الدین محمودبن حامد، به سلطنت رسید (اشپولر، ۱۳۸۰: ۱۵۷-۱۵۳).

قضا ببین که چه آورد در ضمیر خیال
عموم خاطر ارباب را نمود ملال
شبی بوقت سحر غلغلی بشهر افتاد
که شاه عرصه شیراز با ظلال جلال
کشیده لشکر ایران‌زمین^۱ بهرموزات
چنانک دولت شاه جرون گرفت زوال
بسی فساد که واقع شد از قدوم سپاه
علی‌الخصوص منوجان که بُد دفينه مال
چو این خبر به ولایت رسید در ساعت
تمام خلق روان گشت به جواب سؤال
پسای قلعه ساغر، بموضع دوکان
در آمدیم که او هست، بهترین جبال
ز هجره نبویه گذشته بد، زین عهد
بسال هیصد [هفتصد] و سی و یک [زاهی]؟ ستوده خصال
ز طبع روشن عبدالملک شد این ظاهر
بحسب حال کسی همچو او نیافت کمال
کاتبه زکریا بن یوسف بن زکریا

۱. کاربرد اصطلاح «ایران‌زمین»، در آن دوره قابل توجه بوده و نیاز به پژوهش بیشتر دارد. شواهد تاریخی در ایران اشاره بدان دارد که در دوره مورد نظر، حکومت‌های محلی متعددی، بصورت متقارن وجود داشته‌اند. هر چند که این وضعیت اشاره به یک نظام سیاسی یکپارچه ندارد؛ اما کاربرد مفهوم «ایران‌زمین»، در این کتیبه، آشکارا گواهی بر وجود آگاهی تاریخی از تداوم اندیشه «ایران‌شهری» در ضمیر مردمانی دارد که در چارچوب «جغرافیایی ایران» زندگی میکردند.



(تصاویر ۳ و ۴). موقعیت جغرافیایی دهستان چاهان.

خواند و سکه ضرب کرد. پس از ایاز، عزالدین گردانشاه، فرزند رکن الدین دوم فرمانروای هرمز شد که برغم کوشش فراوان، نتوانست از جنگ با نعیم، فرمانروای کیش دوری کند. نعیم که منافع خود را در تجارت با هندوستان در خطر میدید، با ملک عزالدین، والی شیراز، متحد شد و در سال ۷۱۴ ه.ق. دوباره به هرمز یورش برد و در دومین حمله با حيله، توانست عزالدین گردانشاه را به اردوگاه خود بکشاند و او را دستگیر کند (تشییرا^۵، ۱۹۰۲: ۱۷۱).^۶ اشاره به این مطلب را میتوان در بیت دوم و سوم کتیبه^۷ اول مشاهده کرد:

شبی بوقت سحر غلغلی بشهر افتاد
که شاه عرصه شیراز با ظلال جلال
کشیده لشکر ایران زمین، بهرموزات
چنانکه دولت شاه جرون گرفت زوال

از بررسی تحولات تاریخی در این هنگام درمی یابیم که «شاه عرصه شیراز»، ملک عزالدین الطیبی و «شاه جرون» عزالدین گردانشاه بوده اند. در پی حوادث هرمز و دستگیر شدن عزالدین گردانشاه، شاهنشاه ملقب به غیاث الدین دینار، برادرزاده همسر وی از طرف عمه خود (بیبی سلطان) به

در پی ناآرامیهای بعدی، امیر سیف الدین نصرت^۱ یکی از پسران رکن الدین که در هرمز حکومت میکرد، بدست دو تن از برادرانش در سال ۶۸۹ ه.ق. کشته شد. در ادامه برادرش، رکن الدین دوم، جانشین وی شد که او را نیز امیر بهاء الدین ایاز، غلام و محرم نصرت^۲ (عهددار حکومت «قلهات»)، در سال ۶۹۲ ه.ق. از هرمز راند. اگرچه دو تن از برادران رکن الدین دوم، با کمک فرمانروای کرمان، ایاز را متواری کردند؛ اما ایاز بزودی توانست بر رکن الدین دوم چیره شود و دوباره هرمز را تسخیر کند. بدین ترتیب وی بنام ملک معظم، فخرالدین احمد الطیبی^۳، فرزند جمال الدین ابراهیم بن محمد الطیبی، والی کیش^۴ و حامی خود، در هرمز خطبه

۱. شبانکاره‌ای در مجمع‌الانساب (۱۳۷۶: ۲۱۶) میگوید که پس از رکن الدین محمود، ابتدا پسرش قطب الدین تهمتن به جای او نشست و پس از او، مملکت بر برادر او سیف الدین نصرت آمد که از بی بی بانصر بود.
۲. اقبال آشتیانی، بهاء الدین ایاز را یکی از غلامان زوجه رکن الدین محمود ذکر میکند (۱۳۸۹: ۴۰۸)؛ مؤلف تاریخ جهان آراء او را غلام پدر رکن الدین مسعود؛ یعنی رکن الدین محمود قلهاتی میداند (آیتی، ۱۳۴۶: ۱۸۲)؛ شبانکاره‌ای (۱۳۷۶: ۲۱۶) مؤلف مجمع‌الانساب او را غلام سیف الدین نصرت میداند. در تاریخ آل مظفر نیز این مطلب تأیید شده است.

۳. اقبال آشتیانی ملک فخرالدین احمد را برادر ملک الاسلام ذکر میکند (۱۳۸۹: ۴۰۸).

۴. فارس را گیخاتوخان از سال ۶۹۲ ه.ق. (براً و بجرأ)، بمبلغ یکهزار تومان، بمدت چهارسال، به شیخ الاسلام، جمال الدین ابراهیم بن محمد طیبی مقاطعه داد و او را به «ملکال اسلام» ملقب و به شیراز روانه کرد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹: ۴۰۷).

5. Teixeira.

۶. در این مورد ن.ک. به: ستوده، حسینقلی؛ تاریخ آل مظفر، تهران: دانشگاه تهران، ج دوم، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴. همچنین ن.ک. به: شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد؛ مجمع‌الانساب، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۲۱۷.

منابع

منابع فارسی

- آیتی، عبدالحمید؛ *تحریر تاریخ وصاف*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶.
- اشیپولر، برتولد؛ *تاریخ مغول در ایران (سیاست، حکومت و فرهنگ دوره ایلخانان)*، ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- اقبال آشتیانی، عباس؛ *تاریخ مغول*، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹.
- ستوده، حسینقلی؛ *تاریخ آل مظفر*، تهران: دانشگاه تهران، جلد دوم، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد؛ *مجمع‌الانساب*، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

- شیرازی، روح‌اله؛ برجسته دلفروز، بهروز؛ «بررسی حوادث سیاسی جنوب ایران در نیمه اول قرن هشتم ه.ق. با تکیه بر سنگ‌نوشته‌های نویافته در شاهوگت مکران»، *پژوهشهای علوم تاریخی*، دوره ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۱۹-۱۳۴.

منابع لاتین

- Arrian, *Anabasis Alexandri* (books V/VI), translated by I. Robson, William Heinmann, London, 1933.
- Teixeira, P., *The travels of Pedro Teixeira: with His Kings of Harmuz, and Extracts from His Kings of Persia*. Translated and annotated by William F. Sinclair with further notes and an introduction by Donald Ferguson. Hakluyt Society, London, 1902.



(تصویر ۵). بقایای قلعه ساغر.

فرمانروایی برگزیده شد و چون گردانشاه پس از پنج ماه، بطور اتفاقی از اسارت نجات یافت و به هرمز برگشت، با مقاومت غیاث‌الدین روبرو شد. وی در آغاز ناگزیر به سواحل هرموزات گریخت؛ ولی سپس توانست غیاث‌الدین را به مکران فراری دهد.^۱ این حادثه را احتمالاً افرادی نقل کرده‌اند که از آن حملات به مکران گریخته بودند.

نتیجه‌گیری

با توجه به متن کتیبه و تاریخ آن (سال ۷۳۱ ه.ق.) میتوان رویداد حمله به هرمز (جرون) و منوجان را مطابق متن سنگ‌نوشته، اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم ه.ق. دانست. نعیم، فرمانروای کیش در اتحاد با ملک عزالدین، والی شیراز (سال ۷۱۴ ه.ق.) دو بار به هرمز یورش برد که شرح آن در منابع تاریخی آمده است. تاریخ ۷۳۱ ه.ق. (که در سنگ‌نوشته بدان اشاره شده)، مربوط به وقایع سال ۷۱۴ ه.ق. است. صدمات وارده به «منوجان»، بعنوان یکی از توابع ثروتمند هرمز نیز یک امر غیرقابل اجتناب بنظر میرسیده است. کسانی که به «شاهوگت» در مکران پناه برده و کتیبه را کنده‌اند، احتمالاً فراریان مرتبط با غیاث‌الدین دینار، برادرزاده همسر گردانشاه بودند.

۱. از میان تمام منابع موجود، تنها تشیرا (۱۹۰۲: ۱۷۱) به فرار ملک غیاث‌الدین دینار به مکران اشاره کرده است.